

شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخش و چگونگی تبلور آنها در فضای زیسته

فاطمه امیریان - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

هما ایرانی بهبهانی* - استاد تمام دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

حسین سلطان‌زاده - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Identification of factors in the formation of life events and the manifestation of their living space

Abstract

Architecture as applied art is in relation to people's lives and is realized in response to their needs, desires, wishes and dreams. However, the issue of life creation in space is often forgotten in the process of architectural design, because the elements shaping it are mostly hidden, non-physical and are discussed in various levels and layers. Due to this reason, the purpose of this research seeks to identify effective components in formation of events that can act as effective factors in giving life to the lived space, which can be useful in understanding the architectural space as the effective human environment and presents new dimensions of space. The main question of this research is, what events are considered life-giving events and what are the efficient factors in formation of them. The results show that there are three levels of life-giving components, entitled: (1)Features include dependence on natural process of everyday life and its spatial freedom, diversity, impressive atmosphere, forming a chain of actions and meanings organized in a whole, associations and symbols, as a part of the society; (2)Capabilities include inclusiveness and synergies, integrating, growth and place making and ultimately;(3)Providing active participation of different social and age groups and social interactions among them, the active physical presence of the human as an interface between subjective and objective worlds, active use of movement element for shaping space, sensory perception and multifaceted perception.

Key words: life-giving events, lived space, the levels of life

چکیده

معماری به عنوان هنری کاربردی، در ارتباط با زندگی مردم بوده و در پاسخ به نیازها، خواسته‌ها، آرزوها و رویاهای مردم تحقق می‌باید. با این وجود، ضرورت ایجاد حیات و زندگی در فضای بوده و در سطوح و لایه‌های مختلفی مطرح می‌گردد و این موضوع، موارد غیرفیزیکی بوده و در سطوح و لایه‌های مختلفی مطرح می‌گردد و این موضوع، مسئله اصلی این پژوهش است. به همین دلیل، هدف این پژوهش شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهایی است که می‌توانند به عنوان عاملی تأثیرگذار در زندگی بخشی به فضای زیسته عمل نمایند، امری که می‌تواند در فهم فضای معماری به متابه محیط انسانی موثر واقع شده و ابعاد جدیدی از فضای را راهنمایی سوال اصلی پژوهش آن است که رویدادهای زندگی بخش چگونه رویدادهایی بوده و مولفه‌های موثر در شکل‌گیری آن‌ها چه هستند؟ در همین راستا، این پژوهش با روش تحقیق کیفی، به مطالعه و بررسی آراء نظریه پردازان حوزه‌های مختلف در مورد رویداد و ارتباط آن با فضا، مکان، زمان و حرکت پرداخته و همزمان با مطالعه کتابخانه‌ای- اسنادی، با حضور در متن رویدادهای مختلف، سطوح متفاوت تبلور حیات در فضا امروز شناسایی قرارداده است. نتایج تحقیق حاکی از وجود سه سطح از مولفه‌های زندگی بخش، تحت عنوان: ۱- پژوهی‌ها در بردارنده‌ی، واستگی به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادی فضایی آن، تنوع، اتمسفر تأثیرگذار، شکل دهنده به زنجیره‌ای از کنش‌ها و معانی سازمان یافته در یک کل، تداعی‌ها و نمادها، به متابه جزیی از جامعه؛ ۲- قابلیت‌ها شامل دربرگیرندگی و هم‌افزایی، انسجام‌بخشی، رشد و مکان سازی و در نهایت ۳- فراهم آوردن امکان‌های حضور فعال گروه‌های اجتماعی و سنتی مختلف و برقراری تعاملات اجتماعی میان آن‌ها، حضور فعالانه‌ی بدن و کالبد انسانی به عنوان واسطه میان دنیای ذهنی و عینی، استفاده فعالانه از عنصر حرکت برای شکل دهنده به فضای ادراک حسی و ادراک چندوجهی است؛ و در صورت تعریف رویدادهای متناسب با این سطوح، می‌توان رویدادهایی زندگی بخشی را تعریف نمود که نه تنها خود دارای مراتب متنوعی از حیات هستند، بلکه قادر به زندگی بخشی، تعریف و در مرحله‌ای بالاتر تولید فضای زیسته خواهند بود.

واژگان کلیدی: رویدادهای زندگی بخش، فضای زیسته، مراتب حیات.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۳۵۶۷۸۳؛ رایانمای: Fateme.amirian@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده‌ی اول، تحت عنوان «نقش شبکه پنهان رویدادهای فرهنگی زندگی بخش در شکل-گیری فضای زیسته» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تحت راهنمایی سرکار خانم دکتر هما ایرانی بهبهانی و تحت مشاوره جانب آقای دکتر حسین سلطان‌زاده در حال انجام است.

مقدمه

معماری هنری فضایی- زمانی است و به عنوان ظرف فضایی و پس زمینه امور و رخدادهای جاری زندگی، بیش از هر چیز در ارتباط مستقیم با زندگی مردم قرار داشته و بخشی جدایی ناپذیر از آن را شکل می دهد. هر فرد در طول زندگی خود، گهگاه در محیط هایی حضور یافته، که با وجود ساختار فیزیکی ابتدایی، دارای نوع خاصی از سرزندگی، روح و انرژی بوده که وی را احاطه کرده و تحت تأثیر قرار است. یعنی چیزی فراتر از ماده و وجه فیزیکی و کالبدی که با وجود آن که دیده نمی شوند، وجود دارند، چرا که حس می شوند، به ادراک در می آیند، موجود نگار ذهنی می گردد و به صور مختلف توسط مخاطب بیان می شوند. این امر بیش از هرچیز به علت وجود رویدادهایی است که در آن فضا واقع بوده و یا هنوز در جریان هستند و اثر خود را با تولید، تعریف و یا هویت بخشی بر فضا بر جای گذشته و بخش جدایی ناپذیری از آن ظرف فضایی گشته اند. «سنفورد وینتر» از دانش واژه رویداد برای پرداختن به «امری فعل»^۱ و مستعد تبدیل شدن به چیزی نو استفاده می نماید (زمان فعل، مکان فعل) (Kwinter, ۲۰۰۱: ۵). «هانجو برسم» اظهار می دارد که در فضای رخدادی، هویت اشیا دیگر در شکل خاص آن هانهفتہ نیست، بلکه در ساختار فضایی آن ها، در موقعیت های نسبی آن ها در یک زمینه فضایی ذاتاً پویا و پیچیده نهفتہ است (Berressem: ۲۰۰۵: ۹۳). فضا به رویداد واکنش نشان داده و به واسطه رویداد ترادیس می شود. رویداد خود را هم به عنوان عامل شکل دهنده فضا و هم به عنوان محصل برمآمدۀ از فضا به اثبات رسانیده است که حامی تعریف متقابل میان یک مکان و اعمالش است. این موضوع، در روند طراحی معماری اغلب فراموش می شود، چرا که اکثر معماران به سبب طبیعت رشتۀ خود، به دنبال حل مسائل در قالب ارائه یک فرم و قالب شکلی هستند. به همین دلیل، عنصر هویت بخش و زندگی بخش رویداد و چگونگی فضامند شدن آن، پایه اصلی این پژوهش را به خود اختصاص می دهد. هدف این پژوهش

روش تحقیق
روش تحقیق این نوشتار، روش کیفی است که داده های خود را با ارجاع به عقاید، ارزش ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست نخورده به دست می آورد. (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۵۱) تحقیق کیفی در نقطه‌ی تمرکز خود چند روشی است و متضمن رهیافت تفسیری- طبیعی گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. این به معنای آن است که پژوهشگران کیفی، اشیارا در محیط های طبیعی خود مطالعه کرده و تلاش می کنند، پدیده هارا برحسب معنایی که افراد به آن ها می بخشند، معنادار کرده و تفسیر نمایند (Denzin&Lincoln, ۱۹۹۴: ۲). در روش کیفی، مهم ترین ابزار گردآوری داده مشاهده است (حیدری، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵). در تحقیق حاضر، پژوهشگر در ابتدا با حضور در بستر وقوع رویدادهای مختلف، به یادداشت برداری و ثبت تصویری موارد موثر در تعریف و زندگی بخشی به رویدادهای مختلف پرداخته و موازی با کار میدانی، به مطالعه کتابخانه ای- اسنادی نوشته های معماران و نظریه پردازان حوزه های مختلف در خصوص زندگی بخشی به فضا پرداخته است. سپس به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و

جدول ۱. سطوح مختلف استفاده از رویداد در معماری؛ منبع: نگارندگان.

سطوح مختلف	به فضای مکان و زمان	تعريف، هویت‌بخشی و وحدت‌بخشی
استفاده از رویداد در معماری	استفاده از رویداد به عنوان ابزار شناخت و تحلیل و طراحی فضا و تولید فرم	استفاده از گائوستا (۲۰۰۳)، چومی (۲۰۰۰)، دریدا (۲۰۰۴)، دلوز (۲۰۰۳)؛ استفاده از تجربه فیلمیک در معماری: کوب هیمل بلاء، ژان نوول، رم کولهاس
معماری و شهری	بازآفرینی عنصر حیات در فضای معماری	ریچاردز و پالمر (۲۰۱۰)، لاندروی (۱۹۹۶)، کویین (۲۰۰۵)، ایوانز (۲۰۰۳)

عame و داشته و مفهومی تازه از هنر رامطرح می‌ساخت. برای خلق این مفهوم از صدای، محدوده‌های زمانی، حالات، احساسات و حتی بوی آکنده در محیط استفاده می‌شد (لوسی اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸). در آثار ادبی و به ویژه رمان‌های نوشته شده در قرن بیستم نیز شاهد اهمیت یافتن رویدادها هستیم.

برای مثال، در رمان برجسته «در جستجوی زمان از دست رفته»^۴ نوشته مارسل پروست^۵ (نویسنده و مقاله‌نویس فرانسوی) روایت مداوم وجود نداشته و این رمان مبتنی بر لحظه‌هایی است که در آن‌ها، لایه‌ای از رویدادها در زمانی محسوس بیرون می‌ریزند. رمان پروست، با زمان بازی می‌کند (Forster ۱۹۴۳): «مارسل پروست» سخت تحت تأثیر «هائز برگسون»^۶ (فلیسوف فرانسوی)، که فرضیه‌هایش در خصوص زمان در خور توجه است، قرار داشت. «زاک درید»^۷ (فلیسوف فرانسوی) و «برنارد چومی»^۸ (معمار فرانسوی) نیز هر دو به مکان «واقع شدن یک رویداد» و بعد موقعی تجربه در فضای علاقه‌مند هستند. (نسبیت، ۲۰۰۴، ص ۱۴۶). مفهوم رویداد در معماری به شکل‌های مختلفی بروز یافته است. در این زمینه با سه دسته کلی زیر روبه رو هستیم:

۱- استفاده از رویداد برای تعریف فضای مکان/ هویت‌بخشی و وحدت‌بخشی به فضای مکان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عام رویداد، تعریف نمودن فضای است. فضای هنگامی که صفتی یا ویژگی خاصی بر آن متصور نشده‌ایم، وجودی است آمورف،

یافتن پارامترهای زندگی‌بخش به رویدادها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در روش تحلیل محتوا، تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنه از طریق فرآیند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی تم‌ها و الگوها صورت می‌پذیرد (Hesse & Sharlene ۲۰۰۵).

پیشینه تحقیق

واژه «رویداد» از ریشه لاتین *eventus* به معنای رخداد، اتفاق، تصادف و همانند آن نشأت گرفته و آغاز استفاده از آن به سال ۱۵۷۰ میلادی باز می‌گردد. رویداد به عنوان بخشی از یک روند بوده و منحصر به فردی آن ریشه در خاص بودن آن دارد. (Gausta et al. ۲۰۰۳). موضوع رویداد، با مطرح شدن نظریه فضا-زمان و پس از آن نظریه‌های نسبیتی عام و خاص آبرت ائیشتین و ادغام سه بعد فضایی و یک بعد زمانی و ایجاد محیط پیوسته و در هم تنیده‌ی چهار بعدی اهمیت زیادی یافت. عناصر اصلی آن این محیط، رویدادها هستند. یک رویداد نقطه‌ای است که دارای مکانی خاص در زمانی خاص است و رخداد و موقعیت فیزیکی در ارتباط با آن تعریف می‌شود (French ۱۹۶۸: ۱۹۶۸). مفهوم رویداد در حوزه‌های مختلف از جمله هنر، ادبیات، فلسفه و معماری نیز وارد شده است. با ظهور هنر پاپ، «محیط و رویداد» اهمیت خاصی در آفرینش هنری یافتند. این ویژگی هنرمندان را به تجربه‌ی بازآفرینی و تکثیر رویدادها و واقعیت‌های جاری و رایج در محیط و مصرف پدیده‌های فرهنگ

که برای گروه کثیری از مردم اجرا می شوند، آشکارا وضعیت فضایی متفاوتی را در یک خیابان شهری ایجاد می کنند (همان منبع، ص ۱۴۸). قیاس میان «معماری و سینما» از جمله سایر تلاش ها، برای وارد کردن عنصر رویداد در طراحی معماری است چرا که هم معماری و هم سینما، مبتنی بر انسجام فضای زمان هستند (شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰). در بسیاری از مدارس معماری، فیلم ها به عنوان منابع الهام مطالعه شده و معمارانی پیش رو همچون «برنارد چومی»، «رم کواهاس»، «کوب هیمل بلاء» و «ژان نوول» از آن در روند طراحی خود استفاده نموده اند و اثر آن را می توان در ساختمان انسنتیتوی عرب، «ژان نوول» و «پارک لاویلت» برنارد چومی دنبال نمود (همان منبع، ص ۱۰۹). سابقه استفاده از سینما برای درک و تحلیل فضاهای شهری مدرن، به اوایل قرن بیستم باز می گردد که اندیشمندانی چون «زیمبل»، «بنیامین» و «کراکنر»، بر اهمیت فیلم برای تفسیر پدیده های فضایی جهان مدرن تاکید می کردند (قهرمانی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵۷-۵۴).

۳- بازآفرینی عنصر حیات در فضای معماری و شهری از طریق رویدادها

در این حالت، از رویدادها در راستای ایجاد پویایی بیشتر در شهرها و تبدیل آن ها به مکان های غنی قابل زیستن برای پاسخگویی به طیف گسترده ای از اهداف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی استفاده می گردد. «رویدادمداری»، اصلی ترین عامل تحرک در بازآفرینی شهرها شناخته می شود، چرا که رویدادها بسیار منعطف تراز اقسام قطعی زیرساختمانی فیزیکی بوده و توانایی بیشتری در خلق اتمسفر دارند (Richards, 1996: ۹-۱۰). «بازآفرینی شهری فرهنگ- مینا» بر رویدادمداری و ترویج فعالیت های فرهنگی همزمان با احياء و حفاظت از میراث شهری است (Landry et al, 2010: ۱۶-۲۰). حضور هنر در شهر و برپایی انواع فستیوال های هنری، راهبردی فراتر از اندیشیدن راه حل های کوتاه مدت برای رکود اقتصادی و مشکلات اجتماعی شهرها است (Quinn,

همگن و فاقد نقطه عطفی که به آن هویت بخشد. (فلامکی، ۱۳۸۶، صص ۱۳-۱۴). هر فضای معماری و فضای شهری به تناسب خود می تواند مکان واقع شدن رویدادها، در بازه های زمانی متفاوتی باشد. در این زمینه با دو دسته ای کلی از رویدادها روبرو هستیم. دسته اول رویدادهایی هستند که در مکان هایی ثابت و در مدت زمانی طولانی، به صورت الگویی بیوسته و مداوم تکرار می شوند و به تدرج و در طول زمان، جزیی از هویت آن فضایی شوند، چرا که هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می شود (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۲۱). از جمله این رویدادها می توان به رویدادهای جاری فضاهای طراحی شده برای عملکردهای خاص و معین اشاره نمود که در طول زمان محمول الگوهای رویدادی مرتبط با عملکرد خود می گردد. دسته دوم، رویدادهایی هستند که بیشتر جنبه ای موقتی داشته و در مکان هایی مختلف و در دوره های زمانی ثابت یا متغیر قابل وقوع هستند و از جمله آن، می توان به برگزاری جشنواره ها، کارناوال ها و سیرک ها، سان ها و رژه ها و حتی یکسری مراسم اساطیری آیینی و سنتی چون حرکت دسته جات عزاداری در ایام محرم، تعزیه، رقص های محلی و انواع دیگر آن اشاره نمود.

۲- استفاده از عنصر رویداد به عنوان نقطه آغاز روند طراحی و تولید فرم؛ استفاده از آن به عنوان ابزار شناخت و تحلیل فضا

پژوهه ای که بر مبنای رویدادها آغاز می شود، از حوزه منحصر به فردی نشأت می گیرد. این موارد منحصر به فرد همان اندازه که وابسته به «فضا» هستند به «زمان» نیز وابسته اند (Gausta et al, ۲۰۰۳: ۲۰۰-۲۰۳). برنارد چومی از جمله معمارانی است که از عنصر رویداد در طراحی خود بهره برده است. وی معتقد است که باید معماری رانه به مثابه ای یک شیء ابزه (اثر)، بلکه به منزله ای "تعامل فضا و رویدادها" دریافت کنیم (نسبتی، ۲۰۰۴، ص ۱۵۰). نکته ای اصلی در بحث وی آن است که کالبدها، فضای را حرکت خود به وجود می آورند. برای مثال، کارناوال ها و نمایش هایی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۷۹

به این ترتیب، درک و دریافت فضا، به همراه تصورات و انگاره‌هایی که از فضا وجود دارند، در کنار تجربه مستقیم زیستن و کنش در فضاء، کلیتی را می‌سازند که فضا نامیده می‌شود. او برای تبیین نظریه تولید فضاء از سه مفهوم عمل فضایی^{۲۳}، بازنمایی فضایی^{۲۴} و فضای بازنمایی شده^{۲۵} استفاده نمود که از میان، فضاهای بازنمودی مستقیماً از طریق تصاویر و نمادهای مرتبطش زنده بوده و یک هسته عاطفی داشته و کنش و موقعیت‌های زیسته را دربردارد؛ بنابراین فوراً به طور ضمنی زمان را می‌فهماند.

ادوارد سوچا^{۲۶} بر مبنای تعریف لفور، فضا را برآیند روابط میان سوژها و ابژه‌ها (فضای زندگی) دانسته است (سوچا، ۱۹۹۰، ص ۱۲۰). فضای زیسته در ادبیات پدیده‌شناسی، «فضایی وجودی» است که بر مبنای خاطره و تجربه‌ی فردی، گروهی و اجتماعی ساخته می‌شود که سازنده‌ی این همانی‌های جمعی است (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۵۳). «لطف» معنای فضای زیسته را ناشی از مکان‌های وجودی و ادراکی می‌داند که بدون واسطه تجربه شده باشد (Relph, ۱۹۷۶: ۲۶). تمرکز این نوشتار بر تعریف هانری لفور و ادوارد سوچا از فضای زیسته است، چرا که به این ترتیب فضا، مکان

است:

۱. «فضای دریافته»: پیش از هر چیز، فضا امری است محسوس که به یاری حواس می‌توان به درک و دریافت آن رسید. (Goonewardena and others, ۱۹۹۱: ۳۹, shmid in ۲۰۰۸: ۳۹)

۲. «فضای انگاشته»: به جنبه‌ی ذهنی فضا باز می‌گردد و دربردارنده‌ی تصورات و تصاویر ذهنی پیشین هر کنشگر پیرامون فضا است که برآمده از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی کنشگران است (Lefebvre, ۱۹۹۱: ۳۴۶).

۳. «فضای زیسته»: تجربه‌ی زیسته کنشگران در فضا است. این فضا نه بازنمایی شده است نه انگاشته شده، بلکه در مقایسه با فضای انتزاعی معماران و شهرسازان، فضای زندگی روزمره و فضایی واقعی است (ibid: ۵۳).

۹۲۷: ۲۰۰۵) با در نظر داشتن تمامی موارد فوق، نوشتار حاضر در پی شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخشی است که در تولید، تعریف و هویت‌بخشی به فضای زیسته تأثیرگذار هستند.

مبانی نظری فضاء، مکان و رویداد

هر محتوای فضایی با یک شیوه زندگی، حضور و یک نحوه شناخت همراه است (شایگان، ۱۳۹۲، صص ۸۸-۸۹). هر الگوی فضایی با الگوی رویدادی همراه است که این الگوی جامع، فضاء رویداد در ارتباط باهم به واسطه‌ی فرهنگ شکل‌گرفته و انتقال می‌یابد (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۷۸) و هر شیوه تولید اجتماعی، فضای ویژه خود را بازتولید می‌کند (Lefebvre, ۱۹۹۱: ۳۱). همه‌ی این موارد نشان از وجود ارتباط متقابل میان رویداد و ظرف فضایی آن و اهمیت مطالعه این ارتباط دارد.

در تحلیل «میشل دوسرتو»^{۲۷} فضا «مکانی مشمول تردد»، « محل برخورد اجسام متحرک» است. با استفاده از لفظ مکان، شخص دست کم به یک رخداد، به یک اسطوره (مکان معروف)، یا به یک تاریخ ارجاع می‌دهد. (همان منبع، ص ۱۰۲). این مکان‌ها دست کم دارای سه خصیصه مشترک هویت، ارتباط و تاریخ هستند. (همان منبع، ص ۷۱-۷۲) کریستین نوربرگ شولتر^{۲۸} کنش‌ها را تنها در نسبت با مکان‌های خاص بامعنا می‌داند. (شولتر، ۱۳۹۳، ص ۲۲). «تیم کرسوی^{۲۹}» مکان‌ها را فضاهایی دانسته که توسط مردم معنادار شده‌اند. دوگانگی پایه‌ای میان فضاء و مکان، با مطرح شدن ایده فضای اجتماعی هانری لفور، که دارای نقش مشابه مکان است، به چالش کشیده شد (Cresswell, ۲۰۰۴: ۷۱-۱۰). فضا از منظر لفور، نه تنها ظرفی منفعل و راکد نبوده، بلکه نبضی تپنده و زنده است. نقطه عطف کار لفور این بود که توانست با نظریه‌ای فraigیر، وجود گوناگون فیزیکی، ذهنی و اجتماعی فضای را به هم بیامیزد و در عین حال مرزهای تمایز آن را نیز حفظ کند. (امیری و رضایپور، ۱۳۹۱: ۱۵). در نظریه لفور، فضا از سه بعد تشکیل شده

زمان و حرکت، به صورت عام دارای حیات است. اما پدیده حیات و ارتباط آن با رویداد، از زوایای دیگری نیز قبل بررسی است. یکی از بهترین تعاریف از حیات، توسط کریستوفر الکساندر ارائه شده که در دو بستر حیات از منظر شکلی - ساختاری و حیات از منظر الگوهای جاری در فضا، قابل ردیابی است. وی در کتاب «سرشت نظم»^۱ خود، بیان می کند که حیات مفهومی مکانیکی و محدود نبوده و کیفیتی است که در ذات فضای نهفته است (الکساندر، ۱۳۹۲، ص. ۳۰). منظور از حیات، به معنای جامع آن، چه از نظر شکلی، هندسی، ساختاری، اجتماعی و زیست شناسی است. (همان منبع، ص. ۴۹). از نظر او، حیات کیفیتی است که از طریق وجود ساختاری متمایز و قابل تشخیص در کلیت رخ می دهد. (همان منبع، ص. ۸۱). الکساندر در کتاب «راه بی زمان ساختن»^۲ زنده بودن هر بنا یا شهری را منوط به التزام آن به راهی بی زمان و شناخت کیفیت بی نام می داند که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا، یا طبیعت بکر است (الکساندر، ۱۳۹۰، ص. ۲۱). به علاوه، وی در کتاب «بیان الگو»^۳ توجه خود را بر مفهوم الگوها [مرکب از فضا و رویداد] مرکز ساخته، اما آن را بیشتر بر حسب عملکرد تا هندسه توصیف می کند. (شولتز، ۱۳۹۳، ص. ۱۳). به این ترتیب، به حیات الگوهای جاری در فضا و نحوه تحقق آن می پردازد. همان گونه که در بخش قبل اشاره شد، تولیدات هر جامعه برآمده از شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آنها است، چرا که به گفته ادوارد تی هال، فرهنگ در اعمق سیستم عصبی فرد نفوذ کرده و تعیین کننده نحوه ادراک او از جهان است (تی هال، ۱۳۸۷، ص. ۲۲). به این ترتیب، تولیدات هر جامعه ای می تواند دارای مرتبه ای از حیات از منظر معنایی- مفهومی، در تناسب با شرایط فرهنگی- اجتماعی آن جامعه باشد. در این سطح از حیات، اهمیت مخاطب و نحوه درک او از جهان مطرح می گردد. میزان حضور گروه های مختلف اجتماعی و میزان استفاده مداوم شهروندان از فضای نیز می تواند منجر به مرتبه ای از حیات از منظر تنوع زیستی گردد و زندگی در ارتباط با یکدیگر تعریف شده و می توانند به عنوان ظرف فضایی رویداد واقع شوند.

در تعریف «دورین مسی»^۴ از رویداد، هر دو امکان آفرینش/تعریف فضا و زمان به امر رویدادی نسبت داده شده است (Massey, ۱۹۹۴: ۲۶۳). از نظر «دوراد کیسی»^۵ «رویداد را می توان به منزله فضایی- زمانی سازی یک مکان تلقی کرد» (Casey, ۲۰۰۱: ۳۳۹). وی قدرت مکان را در گردهم آوری هریک از زندگی ها و چیزها، با فضا و زمان خاص خودشان در عرصه ای از روابط مشترک می دارد (Casey, ۲۰۰۹: ۳۲۹). با درنظر گرفتن رویداد به عنوان جزء تشکیل دهنده مکان و گشايش فضا به سمت زمان، فضا دستخوش «ترادیسی»^۶ و «تغییرشکل»^۷ قرار می گیرد. به این ترتیب، فضا تنها تنظیم کننده ای رویدادها و روندها نبوده، بلکه آن ها را با یکدیگر همراه می کند (Grosz, ۱۱۶-۱۱۹: ۲۰۰۱). به بیان دیگر، روابط پیچیده میان رویدادها، عامل شکل دهنده ای مکان های مختلف بوده و جغرافیاهای متنوع و ظاهرآ نامرتب با هم، از طریق رویدادها با یکدیگر تلاقی یافته و همدیگر را تعریف می کنند.

نحوه تبلور مفهوم حیات و زندگی در فضا و رابطه آن با رویداد

مفهوم زندگی و حیات در درجه اول با حرکت در طول فضا، گذر زمان و تغییرات ایجاد شده به واسطه ای آن، درک می شود. اگر فرد، با عبور از داخل فضاهای، یا در عبور از یک مسیر، فضاهای مختلف از یکدیگر را ادراک نموده و بتواند آن ها را مرتبط با یکدیگر تلقی نماید، توالی فضایی معنا خواهد یافت (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص. ۶۷). به علاوه، هر حرکتی احتیاج به زمان دارد. بدون زمان ما قادر به درک حرکت نیستیم (گروتر، ۱۳۹۳، ص. ۳۲۵). گذر زمان و به تبع آن تغییرات رخداده در طول زمان، در ذات خود دارای پویایی هستند. محیط زیست طبیعی و انسان ساز دائم در تغییر است. این تغییرات ممکن است عینی و یا تنها ادراکی باشد. زمان نیز در ذات خود دارای حرکت است. به این ترتیب می توان گفت که عنصر رویداد به واسطه ای وابستگی خود به

جدول ۲: سطوح مختلف حیات قابل مطالعه در خصوص رویدادها؛ منبع: نگارندگان.

<p>تأکید بر عنصر حرکت به عنوان عامل شکل دهندهٔ فضا و زمینه‌ساز ایجاد ساختار تجربیات پشت سر هم و توالی فضایی؛ نقش عنصر زمان و گذر آن در شکل‌گیری عنصر حرکت و پویایی و زمینه‌ساز شکل‌گیری تغییرات در پدیده‌ها؛ اهمیت موضوع روند و حرکت تدریجی</p>	<p>زمان، حرکت، تغییر و پویایی</p>	<p>عام</p>
<p>حیات به عنوان کیفیت نهفته در ذات فضا به واسطهٔ وجود ساختاری متمایز و قابل تشخیص در کلیت آن؛ وجود مرتبه‌ای از حیات در هر شیء؛ وجود مولفه‌های هندسی موثر در شکل‌گیری عنصر حیات در ساختارهای طبیعی و غیرطبیعی</p>	<p>شکل‌ساختاری</p>	<p>سطح مختلف حیات</p>
<p>اهمیت مفهوم الگوها [مرکب از فضا و رویداد] و بیشتر تمکز بر مفهوم عملکرد</p>	<p>الگوهای جاری در فضا</p>	<p>خاص</p>
<p>اهمیت نقش فرهنگ و پیشینه فرهنگی کاربران و مخاطبین هر فضا؛ ارتباط متقابل میان محتواهای فضایی با شیوه زندگی و حضور در هر جامعه؛ تولیدات هر جامعه برآمده از شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آنها</p>	<p>معنایی-مفهومی</p>	<p>معنایی-مفهومی</p>
<p>حضور گروه‌های مختلف اجتماعی و رده‌های مختلف سنی از کودک تا سالمند و استفاده مداوم شهریوندان از فضا؛ سرزنشگی و پویایی اجتماعی؛ امکان مشارکت در زندگی اجتماعی</p>	<p>زیستی</p>	<p>زیستی</p>

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۸۱

یافته‌ها: مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخش ۱-ویژگی‌ها

۱-۱-وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادی فضایی آن

رویدادهای زندگی بخش بیش از هر چیز با روند طبیعی زندگی عادی و روزمره و آزادی فضایی آن در ارتباط هستند. زیبایی در چیزهای طبیعی پدیدار می‌شود، در چیزهایی که به به طور طبیعی تکامل یافته‌اند و حامل هیچ نشانه و پیامی نیستند. (زموتور، ۱۳۹۴، ص ۳۵). آنچه در دنیای ما بهترین حیات به نظر می‌رسد، حیاتی است که از تلاش‌های ساده و طبیعی ما، از حرکات ناشی از احساسات مان و از احساس مان از لذت و آزادی نشأت گرفته و ژرف و تکان‌دهنده است. (تصویر ۱) اغلب خیلی معمولی‌اند.

و هرچه این میزان بیشتر شود، پویایی و سرزنشگی آن فضا افزایش خواهد یافت (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶).

به این ترتیب، سطوح مختلف حیات در خصوص یک رویداد و همچنین ظرف فضایی تحقق آن به شکل زیر خواهد بود:

هر رویداد، به تناسب خود مرتبه‌ای از این موارد را دارد است و هرچه یک رویداد در سطوح مختلف از حیات بیشتری برخوردار باشد، غنی‌تر، پویاتر و تأثیرگذارتر خواهد بود. در این بین رویدادهایی وجود دارند که نه تنها خود دارای حیات هستند، بلکه به ظرف فضایی خود نیز زندگی می‌بخشند. بنابراین نکته حائز اهمیت شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی بخش بوده و تحت سه عنوان ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و فراهم آوردن امکان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.



تصویر ۱. بازی کودکانه، نمودی از رویداهای روزمره؛ مأخذ: National Geographic

روندي ممکن است که طی آن، مردمی که خود جزئی از آن اند، الگوها را بی‌آفرينند و نگهداری کنند. شهر یا بنانيز جريان مدام روندهاست. (الكساندر، ۱۳۹۰، صص ۳۰۶-۳۰۸).

۱-۲- تنوع

پيش از اين در خصوص مراتب حيات خاص سخن گفته شد. هر يك از اين موارد توليدکننده شكلها و ساختارها، الگوها و عملكردها، معناها و مفهومهاي متنوعي بوده و گروههای اجتماعی و سنی مختلفی را مخاطب قرار می‌دهند. به اين ترتيب، به واسطه سطوح مختلف مراتب حيات، با نوعهای شکلی - ساختاري، الگوهای جاري، عملكردي، معنائي-مفهومي و نوعهای زیستي روبه رو خواهيم بود که همه اين ها در کنار يكديگر، توليدکننده تنواعهای فضایي خواهند بود.

۱-۳- اتمسفر تأثیرگذار

رويدادهای زندگی بخش، به فضاظفسفری تأثیرگذار می‌باشند؛ اتمسفری که ما را فرامی‌گيرد و از حضور ساده چيزها آکنده است. (تصویر ۳) به علاوه، ميان اتمسفر يك فضا و تصویر ذهنی ماز آن فضا پيوند وجود دارد. در اين زمينه زومتوري چنین نوشته است: به معماري که فکر می‌كنم، تصاویر در خاطرم زنده می‌شوند. چنین خاطراتی دربردارنده عميق ترين تجربه‌های معمارانه‌ای هستند که من سراغ دارم؛

با اين حال داراي انسجامی ساده و حيات بنیان هستند که با طراحي آفريده نشده، بلکه محصول روندهای کوچکی برآمده از يك روند زنده است. (الكساندر، b1392، صص ۱۶۴-۱۶۳). همچنین، زندگي روزمره در

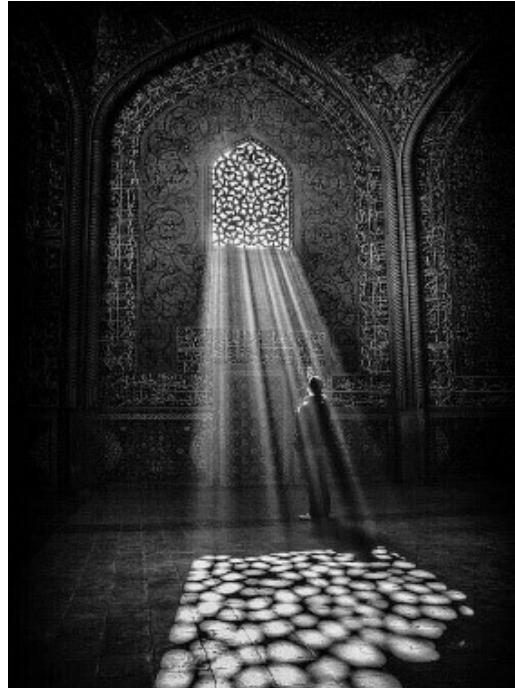
يک بستر فضایي همچون فضاهاي شهری و فضاهاي معماری واقع می‌شود، يعني فضایي که شهروندان هر روز به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار ادراك می‌شود. (پاكزاد، ۱۳۷۶، ص ۳۲). کسی که در يك شهر زندگی می‌کند، داراي يك رابطه فضایي و زمانی تکرارشونده و متعارف با شهر دارد (فکوهی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۲-۳۳۳). هانري لفور فضا را از يك سو تجربه‌ي تاريخي و از سويي ديجر تجربه‌ي زندگي روزمره‌ي آدميان دانسته است. (فکوهی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۲).

از نظر پيتر زومتوري معماري ساحت وجودي خود را داشته و در يك رابطه‌ي مادي خاص با زندگي قرار دارد. (تصویر ۲) در تصورو، معماري در درجه اول نه پيام است و نه نشانه، بلکه پوشش و پس زمينه‌اي است برای امور و رخدادهای جاري زندگي (زومتوري، a1394، ص ۱۷). از نظر او، معماري در معرض زندگي قرار دارد. اگر كالبدش به قدر کافی حساس باشد، می‌تواند كيفيتى را پديد آورد که بر واقعيت زندگي گذشته شهادت دهد. ايجاد شهر زنده نيز فقط از طريق

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۸۳



تصویر ۳. بارش نور در فضای داخلی مسجد، نمودی از اتمسفر تأثیرگذار؛ مأخذ: www.pinterest.com



تصویر ۲. نمودی از رویداهای روزمره؛ مأخذ: www.mulpix.com

ایده‌آل نقشی محوری در مفهوم‌سازی مکان ایفا می‌کند رویدادهای جاری خاطرات را به یاد می‌آورند. «ناگهان، بر حسب تصادف، تقارن یک احساس واقعی معین و یک احساس معین پیشین، یادآوری خاطرات را رقم می‌زند. خاطرات فراموش شده مجدداً بازمی‌گردد. در نتیجه به مدد حافظه، زمان از دست نمی‌رود و چنانچه زمان از دست نرود، فضانیز از دست نمی‌رود.» Poulet, ۱۹۷۷: ۵۷-۵۸) با این حال، همان طور که «جولیا برونونو» در روند به یادآوری مثال می‌زند، فضای تواند رویداد را به خوبی تعریف کند، چراکه حافظه منبعث از تجربه روایی، متحرک و معمارانه از محل است (Bruno, ۲۰۰۷: ۱۷).

۱-۶- به مثابه جزیی از جامعه

فرد بالغ در زندگی اش چیزی را کشف خواهد کرد که فرهنگ، تربیت، کتاب‌ها و سنتش به او آموخته‌اند که در آن زندگی بباید. رابطه‌ای که با خودم برقرار می‌کنم، همواره به وساطت فرهنگی و زبانی شکل می‌گیرد که از بیرون دریافت کرده‌ایم. (ملوپونتی، ۱۳۹۴، ص. ۷۸).

ذخایری غنی از تصویرها و اتمسفرها (زومتور، ۱۳۹۴: ۱۳۹). صص ۱۲-۱۴.

۱-۴- شکل دهنده به زنجیره‌ای از کنش‌ها و معانی سازمان یافته در یک کل

تصور ورود به یک بنا، حتی به یک ساختمان یا یک کلبه ساده، زنجیره‌ای از کنش‌ها را ایجاد می‌کند که کمتر از یک عمل زبانی، بیان، گزاره یا زنجیره‌ای از جملات پیچیده نیست. به بنایان نباید نه به عنوان مجموعه‌ای از نمادها و نه زنجیره‌ای از نشانه‌ها نگریست. یک بنانه یک ابژه و نه انباشتی از ابژه‌های متنوع است. یک چنین فضایی با آنچه ممکن است در آنجاروی دهد و نتیجتاً با آنچه ممکن است در آنجا اتفاق نیفتد، تعریف می‌شود. وضعیت صوتی، حرکات حرکتی و آیینی، عناصر، زنجیره‌های معناها و... همگی در یک کل عظیم سازمان‌دهی می‌شوند. (لفور، ۱۳۹۱، ۲۷۹-۲۸۰).

۱-۵- دربردارنده تداعی‌ها و نمادها

بسیاری از نظریه‌پردازان نشان داده‌اند که فضاهای

۴- روح ناشی از تعاملات و واکنش‌های رو به تصاعدی که بر اثر وحدت نظر و اشتراک در یک هدف واحد مرتب‌آفزايش می‌یابد و نتایجی به بار می‌آورد که افراد در تنهايی هرگز قادر به انجام آن نیستند.

۵- انسجام گروهی (رابینز، ۱۳۸۱، ص ۵۱۹).

رویدادهای زندگی‌بخش قادر به گردهم آوردن زمان‌ها، مکان‌ها، فضاهای گوناگون و در مقیاس‌های مختلف است. به علاوه، از آنجا که یک رویداد همچون یک جریان و شار انرژی عمل می‌نماید، قادر به دربرگیرنده‌گی قطعات همگن و ناهمگن در ارتباط با

جریان خود خواهد بود.

۲- قابلیت انسجام بخشی

در شکل‌گیری رویداد عوامل مختلف گرد هم می‌آیند و در همکاری با یکدیگر یک رویداد در ظرفی فضایی واقع می‌شود و با آن در تعاملی دوسویه قرار می‌گیرد. همه این موارد نشان از قابلیت انسجام بخشی به یک مجموعه از اشکال، ساختارها، الگوها، عملکردها و معانی و مفاهیم دارد که به واسطه یک رویداد، گرد هم آمده و در کنار یکدیگر و با همکاری هم زمینه وقوع آن را فراهم می‌آورند. به قول زومتور، همه چیز با یکدیگر جور است، حیرت‌انگیز، غافل‌گیر کننده و طبیعی، مثل دست انسان (زومتور، ۱۳۹۴، ص ۸۳).

۳- قابلیت رشد

رشد شهر نه زاده ذهن یک نفر است و نه زاده یک گروه منسجم از اذهان. شهر زاده میلیون‌ها میلیون فعالیت منفرد ساختمانی است (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۴۳۲). از آنجا که رویدادهای زندگی‌بخش و وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره افراد است، بنابراین یک نفر مولف آن نبوده و این رویدادها قابلیت رشد و توسعه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و توسط افراد مختلف را می‌باشد. به علاوه رویداد به واسطه ذات خود قابلیت قرارگیری و تکرار در ظرف‌ها با مقیاس‌های مختلفی را دارد. در واقع، زندگی، روح و سیستمی زنده و مجموعه‌ای از الگوی رویدادهای هم‌جوار و در تعامل با یکدیگر است که در هر یک رویدادهای مشخصی بارها و بارها تکرار می‌شود.



تصویر ۴: رقص‌های محلی، رویداد بومی؛ مأخذ: شهریازی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۶.

رویدادهایی که شخصیت منحصر به فرد شهرها را بدان‌ها می‌بخشنند، برآمده از متن زندگی مردم هر جامعه بوده و حتی در برخی از موارد، تنها برای افراد آن جامعه و یا افراد یک حیطه جغرافیایی مشخص دارای معنی است. (تصویر ۴).

۲- قابلیت‌ها

۱- قابلیت دربرگیرنده‌گی و هم‌افزایی

رویدادهای زندگی‌بخش قابلیت دربرگیرنده‌گی و هم‌افزایی دارند. هم‌افزایی زمانی رخ می‌دهد که نتیجه کنش (اشر) دو یا چند ماده بر یکدیگر، از جمع اثرات یکایک آن مواد بیشتر باشد (رابینز، ۱۳۸۱، ص ۴۸۹). ژاکوب لوى مورنو ۳۶ معتقد است که واقعیت زندگی انسان، جنبه کنش و واکنش میان افراد است و آنچه که حاصل این تعاملات اجتماعی و روابط بین فردی است، نتایجی به بار می‌آورد که از جمله آن‌ها، هم‌افزایی است. البته علت آن را نمی‌توان صرفاً با تعداد و کثربت جمعیت توجیه کرد، بلکه برای بروز خود نیازمند شرایط زیر است:

۱- داشتن هدف مشترک،

۲- وجود تعامل و داشتن هویت ارزشی و فرهنگی مشترک (رضاییان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹)؛

۳- ویژگی‌های خاص تعیین کننده‌ی قوانین اجتماعی گروه؛

دریس شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۸۴

به صورت کامل پرداخته شد. به صورت خلاصه، هدف اصلی افزایش میزان حضور و استفاده مداوم شهروندان از فضا، افزایش پویایی و سرزندگی شهری، برقراری تعامل میان گروه‌های مختلف اجتماعی و سنتی و به دنبال آن ایجاد همکاری و مشارکت اجتماعی به واسطه رویدادهای زندگی بخش است.

۳-۲- فراهم نمودن امکان حضور فعالانه بدن و کالبد انسانی به عنوان واسطه میان دنیا ذهنی و عینی

آگاهی انسان، آگاهی تجسديافتہ و مبتنی بر حواس است. (تصویر ۶) همان‌گونه که ژان پل سارتر ادعا می‌کند: «در اک کیفیتی که از بیرون به وجود انسان تزریق گردد، نیست؛ بلکه روش خاصی از بودن انسان است». (پالاسماء، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸) ادراک کردن، بدن داشتن است و بدن داشتن، سکونت در جهان است. (کارمن، ۱۳۹۰: ۳۹). بدن بخشی از دستگاه حافظه ماست. (Cassey, ۲۰۰۰: ۲۰۰) کیسی به نقش بدن در عمل به خاطرسپاری اشاره می‌کند: «حافظة تن کانون طبیعی هر دریافت حسی به خاطرسپاری و به یادآوری است». (Ibid: ۱۷۲) همچنین از نظر وی به واسطه بدن‌ها است که شخصیت مکان‌ها فرهنگی می‌گردد و در دیدگاه او «واژه میانی مابین مکان و خود» همان ریخت بدن ۳۸ است. در فعالیت فرهنگی، ریخت بدن رامی‌توان به عنوان منظور ما برای ایجاد رویدادها و به واسطه‌ی آن، مکان‌ها تلقی کرد. (Cassey: ۲۰۰۹، ۶۸۶)

۳-۳- فراهم نمودن امکان استفاده فعالانه از عنصر حرکت برای شکل دهی به فضا

عامل حرکت خود می‌تواند شکل دهنده به فضا باشد. در حرکات سازمان یافته، یعنی حرکات آئینی شده و رمزی شده، بدن‌ها خودشان فضاهای ایجاد می‌کنند. (تصویر ۷) همچنین، قلمرو حرکتی خرد روزمره فضاهای خودش را ایجاد می‌کند (برای مثال، پیاده‌روها، راهروها، مکان‌های غذاخوری)، و همین‌طور قلمرو حرکتی کلان بسیار رسمی فضاهای خودش را به وجود می‌آورد (برای مثال دالان‌های کلیساهاي)



تصویر ۵. تکیه تجریش در دهه محرم، نمودی از مکان شکل گرفته به واسطه یک رویداد؛ مأخذ: نگارندگان.

(همان منبع، ص ۶۲).

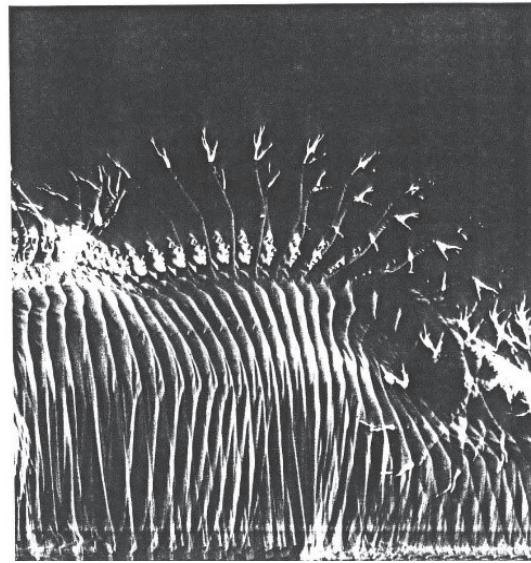
۴-۲- قابلیت‌مکان‌سازی

آن گونه که قبل‌اشاره شد، رویدادها می‌توانند هر دو امکان آفرینش/تعريف فضا و زمان را در پی داشته و به فضا هویت داده و آن را مکان‌مند نمایند. در صورتیکه یک فضا پذیرا بوده و قابلیت تطبیق‌پذیری و انعطاف‌پذیری داشته باشد، در آن صورت می‌تواند دربرگیرنده رویدادهای گوناگونی گردد. (تصویر ۵) در این میان، نکته حائز اهمیت در خصوص رویدادها آن است که در هر فضایی قرار بگیرند، آن فضارا به یک «جا» تبدیل کرده و دارای خاصیت مکانی می‌گردانند. چرا که مشخصه مکان بنابر تعریف مارک اوزه، به دلیل تلفیقی که از هویت و رابطه به دست می‌دهد، وجود یک ثبات حداقل است و از زمانی که چنین می‌شود، مکان ضرورت‌باً به امری تاریخی بدل می‌گردد. (اوزه، ۱۳۸۷، ص ۷۴).

۳- فراهم نمودن امکان‌ها

۱-۱- فراهم نمودن امکان حضور فعال گروه‌های اجتماعی و سنتی مختلف و برقراری تعاملات اجتماعی

اهمیت واقعی شهر، در نوع تعامل مردمش با محیط نهفته است. تعامل مردم بر ادراکشان و البته ادراک ایشان بر تعامل‌شان تأثیر می‌گذارد (باندز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴). در توضیح حیات از منظر زیستی به این موضوع



تصویر ۷. نگاشتی از رقص سمع، نمودی از تعریف فضایه واسطه عنصر حرکت؛ مأخذ: www.musicema.com



تصویر ۸. بازار روز سبزی و میوه، فضایی با ادراک چند وجهی؛ مأخذ: it.www.mole24.it

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۸۶

۴-۳-فراهم نمودن امکان ادراک حسی فضای جهان به ادراک درآمده فضای واحد «عقل غیرمتجسد» نیست، بلکه همچون فضای مادی، حائز نواحی و مناطق متفاوتی است که انتظارات ما از اشیایی که در آنها می‌یابیم به آن نواحی و مناطق ساختار می‌بخشند (مرلوپونتی، ۱۳۹۴، ص ۲۶). هر کیفیت با کیفیاتی در ارتباط است که به سایر حواس پیوند خورده‌اند. زیبایی به واسطه‌ی ادراک حسی دریافت می‌شود. عقل در این میان نقش چندانی ندارد. به

مسیحی یا سکوها). وقتی که یک فضای حرکتی با مفهومی از جهان با نظام نمادین خود پیوند می‌خورد، نتیجه‌اش ممکن است یک آفرینش بزرگ باشد (لفور، ۱۳۹۱، صص ۲۷۱-۲۷۲). پیتر زومتور نیز فکر کردن به نحوه‌ی حرکت مردم در ساختمان و قطب‌های موجود در مکانی را یکی از پارامترهای مهم طراحی می‌داند. از نظر او هنر ظرفی از فریفتون وجود دارد، تا مردم را وادار به حرکت کند و این به قدرت معمار بستگی دارد (زمتور، ۱۳۹۴، ص ۵۵).

وایسته به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادی فضایی آن	ج
تنوع	ج
اتمسفر تأثیرگذار	ج
شکلدهنده به زنجیره ای از کنشها و معانی	ج
دربدارنده تداعی ها و نمادها	ج
به متابه جزیی از جامعه	ج
دربگیرندگی و هم افزایی	ج
انسجام بخشی	ج
رشد	ج
مکان سازی	ج
حضور فعال گروه های اجتماعی و سنی مختلف	ج
حضور فعال بدن و کالبد انسانی (واسط میان دنیای ذهنی و عینی)	ج

جدول ۳. مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش؛ منبع: نگارندگان.

تکوین به صورت طبیعی، بی ادعا، ژرف، تکان دهنده، دارای انسجامی ساده و حیات بینیان، محصول روندهای کوچک و زنده، غیرقابل پیش بینی، زاینده و پویا، آزادی، سازگاری، تعامل با شرایط محیطی، نوعی آگاهی از گذر زمان و دریافتی از زندگی انسان	وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادی فضایی آن
تنوعهای شکلی- ساختاری، الگوهای جاری، عملکردی، معنایی- مفهومی و تنوعهای زیستی همه اینها در کنار یکدیگر، تولید کننده تنوعهای فضایی	تنوع
دارای حال و هوای خاص، آکنده از حضور سادهی چیزها، دارای غنای محیطی، وجود پیوند میان اتمسفر یک فضا و تصویر ذهنی ما از آن، خلق اتمسفر مبتنی بر حس مشترک	اتمسفر تأثیرگذار
تعريف فضا از طریق رویدادهای واقع شده و واقع نشده در آن، وجود زنجیرهای معنایی و نمود آنها در قالب وضعیت صوتی، حرکات، چشم- اندازها، گروههای عناصر و ...	شکلدهنده به زنجیره ای از کنشها و معانی
رویدادهای جاری زمینه ساز یادآوری خاطرات پیشین، از دست نرفتن زمان و فضای پیشین، حافظه منبع از تجربه روانی، متحرک و معمارانه از محل	دربدارنده تداعی ها و نمادها
وابستگی به فرهنگ، زبان، رویاها و آرزوهای برآمده از جامعه، برآمده از محیط، در ارتباط با مناسک، آداب و رسوم و افسانه های بومی و محلی، دارای معنی برای افراد آن جامعه	به متابه جزیی از جامعه
نتیجه بیشتر از حاصل جمع اثرات یکایک دو یا چند ماده، اثر مضاعف، هم کنشی، وقوع به دلیل وجود هدف و هویت ارزشی و فرهنگی مشترک، ویژگی های خاص و انسجام	دربگیرندگی و هم افزایی
گردهم آوری عوامل مختلف دربردارنده اشکال، ساختارها، الگوها، عملکردها و معانی و مفاهیم توسط رویداد در قالب یک کلیت واحد، وابسته سازی عوامل به یکدیگر	انسجام بخشی
قابلیت رشد و توسعه در زمانها و مکان های مختلف و توسط افراد مختلف، قرارگیری و تکرار در ظرفهای فضایی با مقیاس های مختلف، انرژی و تأثیرگذاری بیشتر آنها	رشد
آفرینش / تعریف فضا و زمان، مکان مند نمودن فضا از طریق هویت بخشی، ارتباط یابی و وابستگی به تاریخ	مکان سازی
افزایش میزان استفاده مداوم شهروندان از فضا، افزایش سرزندگی شهری، برقراری تعامل اجتماعی میان گروه های مختلف اجتماعی و سنی، ایجاد همکاری و مشارکت اجتماعی	حضور فعال گروه های اجتماعی و سنی مختلف
تن انسان به عنوان موجودیتی شناسا، بدن به عنوان بخشی از دستگاه حافظه و نقش آن در عمل به خاطرسپاری. بدنها به عنوان واسط میان مکان و خود	حضور فعال بدن و کالبد انسانی (واسط میان دنیای ذهنی و عینی)

<p>تولید فضا به واسطهٔ حرکت بدن‌ها، ریتم‌بخشی به فضاهای به واسطهٔ تکرار حرکات در داخل آن‌ها، تولید فضای ویژه‌ی هر نوع قلمروی حرکتی، طراحی سکانس‌های حرکتی</p>	<p>استفادهٔ فعالانه از عنصر حرکت برای شکل‌دهی به فضای ادراک حسی</p>	
<p>وجود کیفیات متعدد در خصوص یک تجربه، پیوند میان هر کیفیت با کیفیاتی در ارتباط با حواس، وجود ارتباط میان احساسات و اشیای پیرامون، ادراک چندحسی</p>	<p>ادراک چندحسی</p>	
<p>هم‌افزایی حاصل از حضور فعالانهٔ بدن، استفادهٔ فعالانه از عنصر حرکت و ادراک حسی به همراه ویژگی‌ها و قابلیت‌های رویدادهای زندگی‌بخش در قالب یک کلیت واحد</p>	<p>ادراک چندوجهی</p>	

کل تجربه خواهند کرد (لفور، ۱۳۹۱، ص ۲۷۶).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

این نوشتار در پی شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی‌بخش و چگونگی تبلور آن در فضای زیسته بوده است. این شناخت می‌تواند در فهم فضای معماری، ورای کالبد فیزیکی و به مثابه محیطی انسانی موثر واقع شده و بعد دیگری از فضای ارائه نماید که اغلب در روند طراحی مورد غفلت قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر، شاید تغییرات ظاهری (فرم)، واقعی تر و قابل درک‌تر به نظر برسند، اما تغییرات حقیقی بطنی و بطئی بوده و در طول یک روند زمانی، به تدریج و آرام به وقوع می‌پیوندد، گویی جزئی از روند طبیعی بوده و هم راستا، هم نوا و همسازگار با آن عمل می‌نمایند. همچنین، از آنجا که رویدادها و ظرف فضایی تحقق آن‌ها در ارتباطی دوسویه نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند، نیاز به پژوهش بیش تر در خصوص شناسایی ظرف مکانی و زمانی مناسب تحقق این رویدادها خواهد بود، تا از طریق برآیند شناسایی رویدادهای زندگی‌بخش و ظرف وقوع آن، روند تولید این رویدادها و چگونگی تکرار آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. در اینجا به اختصار، یافته‌های این پژوهش ارائه می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱- اوژ، مارک. (۱۳۸۷). نامکان‌ها: درآمدی بر انسان‌شناسی سوپر مدرنیته. ترجمه منوچهر فرهومند، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۲). سرشت نظم، براساس بدن‌های خودشان، کل بودن را در یک فضای

اعتقاد زومتور، ما آن زیبایی را که محصول فرهنگ ما و همخوان با تربیت‌مان است، آن‌اً تشخیص می‌دهیم، چراکه با شکل یا ترکیبی مواجه می‌شویم که در قالب نمادی متراکم شده و بسیاری از صفات شگرف و تأثیرگذار را در یک جا در خود جمع کرده است: بدیهی، طبیعی، آرام، باوقار، رازآمیز، ژرف، محرک، مهیج، دلهره‌آور... بین احساسات ما و چیزهای پیرامونمان رابطه‌ای دوسویه برقرار است (زومتور، ۱۳۹۴، ص ۹۴). شهر نیز با مشارکت حواس و به واسطهٔ کالبدمان دریافت می‌شود. تفاوت شهرها، تفاوت در ادراک چندحسی آن‌ها است (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

۵-۳- فراهم نمودن امکان ادراک چندوجهی
منظور از ادراک چندوجهی هم‌افزایی حاصل از حضور فعالانهٔ بدن و کالبد انسانی، استفادهٔ فعالانه از عنصر حرکت و ادراک حسی به همراه ویژگی‌ها و قابلیت‌های برشمehrde شده برای رویدادهای زندگی‌بخش در قالب یک کلیت است (تصویر ۸) همان‌لایه در جایی از کتاب تولید فضای خود، استفاده از فضای عظیم کلیسای جامع را در برگیرنده پاسخ همه‌ی پرسش‌های بازدیدکنندگان کلیسا عنوان داشته است؛ زیرا بازدیدکنندگان باید از صدای پایشان آگاه باشند و به سروصدای‌هایی و به آوازهایی گوش بدهند، آن‌ها باید هوایی انباسته از دود کندر استشمام کنند، و در دنیای خاصی غرق شوند، آن‌ها بهره‌های از یک ایدئولوژی خواهند داشت، آن‌ها به نمادهای اطرافشان خیره شده و آن‌ها را مرگ‌شایی خواهند کرد، و بنابراین آن‌ها،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۸۹

- اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.
- ۱۶- شایگان، داریوش. (۱۳۹۴). در جستجوی فضاهای گمشده در معماری. تهران: فرzan.
- ۱۷- شهریاری، مژگان. (۱۳۹۰). ایران نگین پر فروغ. تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا.
- ۱۸- شیرازی، محمد رضا. (۱۳۹۱). معماری حواس و پدیدارشناسی طریف یوهانی پلاسمای. تهران: انتشارات رخداد نو.
- ۱۹- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۸۶). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری. چاپ دوم، تهران: نشر فضا.
- ۲۰- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۱). فرهنگ و زندگی روزمره. تهران: نشر فرهنگ جاوید.
- ۲۱- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.
- ۲۲- قهرمانی، محمد باقر و پیروزی ونک، مرضیه و مظاہریان، حامد و صیاد، علیرضا. (۱۳۹۴). "ارتباط تعاملی فضاهای سینمایی و فضای شهری معاصر". نشریه هنرهای زیبا- هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۲۰، شماره ۲/۲ پاییز و زمستان ۹۴، ص ۴۹-۶۰.
- ۲۳- کارمن، تیلور. (۱۳۹۰). مولوپونتی. ترجمه: مسعود علیا. تهران: نشر ققنوس.
- ۲۴- گروتر، یورک. (۱۳۹۳). زیبایی‌شناسی در معماری. چاپ دوم. ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۵- لفور، هنری. (۱۳۹۱). تولید فضا. ترجمه محمود عبداللهزاده، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر. تهران.
- ۲۶- لوسی اسمیت، ادوارد. (۱۳۸۷). آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم. چاپ هشتم. ترجمه علی رضا سعیم آذر. تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر.
- ۲۷- مولوپونتی، موریس. (۱۳۹۱). جهان ادراک. ترجمه فرزاد جابر الانصار، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۲۸- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش. جلد اول و دوم، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- ساختارهای زنده در معماری. جلد اول: پدیده حیات. چاپ دوم. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.
- ۳- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۲). سرشت نظم. جلد دوم: فرآیند آفرینش حیات. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.
- ۴- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۰). معماری و راز جاودانگی (راه بی‌زمان ساختن). ترجمه مهرداد قیومی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵- امیری، نادر لورضاپور، آرش. (۱۳۹۱). "هنری لفور و تولید اجتماعی فضا". فصلنامه علمی و ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، شماره ۴، ص ۱-۱۷.
- ۶- باندز، مایکل. (۱۳۹۰). نظریه اجتماعی شهری. ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۶). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. چاپ دوم، تهران: انتشارات شهیدی.
- ۸- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۷۶). "طراحی شهری چیست". مجله آبادی ویژه طراحی شهری. سال هفتم، شماره ۲۵۵، ص ۳۰-۳۶.
- ۹- پلاسمای، یوهانی. (۱۳۹۲). دست متفکر. ترجمه علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.
- ۱۰- تی‌هال، ادوارد. (۱۳۸۷). بعد پنهان. چاپ چهارم. ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- حیدری، شاهین، (۱۳۹۵). درآمدی بر روش تحقیق در معماری. چاپ سوم. تهران: فکرنا.
- ۱۲- رابینز، استی芬 پی. (۱۳۸۱). مبانی مدیریت. چاپ چهارم، جلد ۲، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۳- رضائیان، علی. (۱۳۸۱). مبانی مدیریت رفتار سازمانی. چاپ سوم. تهران: سمت
- ۱۴- زومتور، پیتر. (۱۳۹۴). معماری اندیشه‌ی چاپ سوم. ترجمه علی رضا شلویری، تهران: انتشارات حرفة هنرمند.
- ۱۵- زومتور، پیتر. (۱۳۹۴). اتمسفر. ترجمه علی

۲۹- نسبیت، کیت. (۱۳۸۹). نظریه های پسامدرون در معماری. چاپ سوم. ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران : نی.

۳۰- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۳). وجود، فضاء و معماری. ترجمه ویدا نوروزبازجانی. تهران: پرهام نقش.

31- Adams, S. (2009). An introduction to space-time physics. London: Taylor & Francis.

32- Berressem, Hanjo. (2005). Multiplicity: Foldings in Architectural and Literary Landscapes. In Benesch, K. and Schmidt, K. (Eds.). Space in America: Theory, history, culture. Amsterdam: Rodopi.

33- Bruno, Giuliana. (2007). Haptic Space: Film and the Geography of Modernity. In Marcus, A. and Neumann, D. (Eds.). Visualizing the City. London and New York: Routledge.

34- Casey, E. (2009). Getting back into place: Toward a renewed understanding of the place-world. Bloomington: Indiana University Press.

35- Casey, E. (2001). "Between Geography and Philosophy: What does it mean to be in the Place-World?" Annals of the Association of American Geographers, 91 (4), pp. 683-93.

36- Casey, E. (2000). Remembering: A Phenomenological Study. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.

37- Cresswell, Tim. (2004). Place, A Short Introduction. Malden: Blackwell publishing.

38- Denzin, N. and Yvonna, S. L. (1994). The Sage Hand book of Qualitative Research. Second Edition, London: Sage Publication.

39- Forster, E. (1943). "Our Second Greatest Novel?" Two Cheers for Democracy, ed. Oliver Stallybrass (Harmondsworth: Penguin Books, 1976), pp. 231-35.

40- French, A.P. (1968). Special Relativity. London: Taylor & Francis.

- 41- Gausta, M. et al. (2003). The Metropolis Dictionary of Advanced Architecture. Barcelona: ACTAR.
- 42- Goonewardena, K, Kipfer, S, Milgrom, R, Schmid, C. (2008). Space, Difference, Everyday life. London: Routledge.
- 43- Grosz, Elizabeth. (2001). Architecture from the outside: Essays on virtual and real space. Cambridge: MIT Press.
- 44- Hesse, B. & Sharlen, N. & Patritia, L.L. (2005). The Practice of Qualitative Research. London: Sage Publications.
- 45- Kwinter, S. (2001). Architectures of time: Toward a theory of the event in modernist culture. Cambridge: MIT Press.
- 46- Landry, Ch., Greene, L., Matarasso, F. and Bianchini, F. (1996). The Art of Regeneration: Urban Renewal through Cultural Activity. London: Demos.
- 47- Lefebvre, Henri. (1991). The Production of Space. Translated by Donald Nicholson Smith. Oxford: Blackwell publishers.
- 48- Massey, Doreen. (1994). Space, place, and gender. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- 49- Merleau-Ponty, Morris. (1962). The phenomenology of perception. Translated by Colin Smith. London: Routledge & Kegan Paul.
- 50- Pizarro, R.E. (2011). Urban Design and Cinematic Arts, in Companion to Urban Design. Edited by Tridib Banerjee and Anastasia Loukaitou-Sideris, London & New York: Routledge.
- 51- Poulet, Georges. (1977). Proustian space. Baltimore: Johns Hopkins University Press,
- 52- Quinn, B. (2005). "Arts Festivals and the City, Urban Studies". Vol. 42, No. 5-6, pp. 927-943.
- 53- Rai-Pi Huang, Emily. (1991). "Body in Space". Unpublished MA thesis. University of Florida: Florida, The United States.

- 54- Relph, E. C. (1976). Place and Placelessness. London: Pion.
- 55- Richards, G. and Palmer, R. (2010). Eventful Cities: Cultural Management and Urban Revitalisation. Oxford: Elsevier.
- 56- Soja, Edward. (1990). Postmodern Geographies, the Reassertion of Space in Critical Social Theory. Second Edition. London: verso.

پی‌نوشت‌ها

- 1-Sanford Kwinter/ 2-Active/ 3-Hanjo Berressem/
4-À la recherche du temps perdu/ 5- Marcel Proust/
6-Henri Bergson/ 7-Jacques Derrida/ 8-Bernard Tschumi/
9-Rem Koolhaas/ 10-Coop Himmelblau/
11- Jean Nouvel/ 12- La Villette Park/ 13-Georg Simmel/
14-Walter Benjamin/ 15- Siegfried Kracauer/
16-Eventfulness/ / 17- Michel De Certeau/
18-Christian Norberg-Schulz/ 19-Tim Cresswell/
20-Perceived space/ 21-Conceived space/ 22-Lived space/
23-Spatial practice/ 24-The Representation of Space/
25-Space Of Representation/ 26-Edward Soja/ 27-Doreen Massey/ 28- Edward Casey/
29-Transformation/ 30-Refiguring /31- The Nature of Order/ 32-The Timeless Way of Building/
33-The Pattern Language/ 34- Giuliana Bruno/
35-Synergy/ 36-Jacob L. Moreno/ 37-Placemaking/
38-Habitus.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۹۱

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۴۹۲